

مقدمه مترجم: بسیاری از دانشجویانی که برای بار اول به رشته فلسفه می‌آیند، تصور روشنی از رشته مورد مطالعه خود ندارند. وجه ممیز فلسفه و فیلسوف‌بودن چیست؟ چه چیزی فلسفه را از سایر رشته‌ها متمایز می‌کند؟ در این گفتار، مری وارناک(۱۹۴۴) چندین ویژگی مهم برمی‌شمارد که برازنده فیلسوف به‌معنای واقعی کلمه است. رسمی‌بودن عنوان حرفه‌ای مهم نیست؛ شرط اصلی این است: فیلسوف کسی است که در حدی بسیارکلی فکر کند، «هدفی تبیینی» داشته باشد و از همه مهم‌تر برای اثبات نظر خود دلیل و حجت بیاورد. نشان بارز یک فیلسوف واقعی در این ویژگی‌ها خلاصه می‌شود. (به نقل از: فیلسوفان زن، به کوشش مری وارناک)

«شرط فیلسوف‌بودن، غیاز داشتن درجه رسمی این رشته از دانشگاه چیست؟ اولاً به‌نظر من یک‌نویسنده باید سروکارش با موضوع‌های بسیارسیار کلی باشد و با افکار مجرد انس‌والفتی دایمی داشته باشد. کافی نیست که به‌دنبال حقیقت باشی چون حقیقت را می‌توان درمورد فلان یا بهمان امر واقع به اثبات رساند؛ این شرط می‌تواند هدف موزخان،

تلاش تاریخ‌نگاری را می‌توان با یک‌تناقض درون‌ماندگار دید: از یک‌سو، می‌کوشد تغییر و حرکت را شرط ضروری پیدایش تاریخ نشان دهد، اما از سوی دیگر، یکی از مقاصد خواسته یا ناخواسته تاریخ را جلوگیری از تغییر و حرکت می‌داند؛ کافی است جای «نظم و قاعده» را با «منع و نهی» عوض کنی تا تضاد درونی آن روشن شود، اما این تضاد برآمده از روح تاریخ است یا میل فاتحان و تاریخ‌نگاران شان؟ نخستین اراده‌ای که در این میان بروز کرد تمایل انسان برای تفسیر وقایع و ربط‌دادن آنها به یک‌کل واحد بود. تضاد درون‌ماندگار تاریخ‌نگاری، تاریخ را به تاریخ‌ها بدل ساخت و آن را مملو از تاریخ‌های تکه‌تکه یا اکنده از اساطیری کرد که منهای دوری از واقعیت‌های گذشته، تأثیری در وضعیت‌کنونی جهان انسانی نیز ندارد. فرآیندی که تاریخ را از زبان تاریخ‌نگاران بنا به میل فاتحان به‌سان تیغی دودم بر سر روح تاریخ فرود آورد؛ تاریخ حقیقت است یا اسطوره؟ درست همان‌جایی که اهمیت گزاره «تاریخ را فاتحان می‌نویسند نه مغلوبان» روشن می‌شود، اما چرا و چگونه مورخی سودای جعل تاریخ به سرش می‌زند؟ مورخی که غلام‌حلقه‌به‌گوش واقعیت‌ها نیست و تفسیر او از امور واقع متقن و علمی است چه می‌کند؟ چرا کنش‌وواکنش مورخ و امور واقع، یا به‌تعبیری، تقابل حال‌وگذشته بی‌پایان است؟ به‌نظر می‌رسد پیش از شرح و بسط تضاد درونی تاریخ باید از میل عامدانه تاریخ‌نگاری در تشدید تضاد درونی تاریخ گفت؛ موضوعی که ایده اصلی کتاب «استفاده و سوء‌استفاده از تاریخ»، نوشته پیتز خیل، یکی از مهم‌ترین آثار درباره تاریخ کلاسیک است. طرفه آنکه خیل نیز خود را مورخ می‌داند و نه فیلسوف تاریخ. این کتاب مکتوب سخنرانی‌های خیل در سال ۱۹۵۴، در دانشگاه ییل است. کتاب حاضر که با ترجمه حسن کامشاد به فارسی برگردانده شده، با تامل درباره این موضوع می‌کوشد بینش تاریخی و امکان تاریخ‌نگاری از پایین را فراهم کند.

خیل، مواجهه خود را با اندیشه‌ورزی تاریخی در سده‌هفدهم آغاز می‌کند. یکی از مهم‌ترین دوره‌هایی که تاریخ چهار سوء‌استفاده‌های حاکم شد. درنظر او تاریخ در این دوره نه فقط نیروی بقا بلکه حربه‌ای در پیکار داوردسته‌ها بود. او به کشورهای نظیر انگلستان و هلند که حیات همگانی در قبضه اختلافات حزبی بود، اشاره می‌کند که تاریخ را زیروزیر می‌کردند تا مواردی پیدا کنند در تایید موضع یک‌طرف، یا رد اعمال گذشته یا شخصیت‌های برجسته ازکار افتاده طرف دیگر. اگرچه این پدیده در قرن‌های بعدی هم مشهود بود، اما نحوه کار، میزان کاربرد کنایه‌ها و زمینه‌چینی‌های تاریخی در کشاکش‌های سیاسی سده‌هفدهم برای خیل مهم بود چون از این طریق می‌توانست تفاوت‌های نظرگاه خود را با آنان نشان دهد. او تاکید داشت آنها در این نحو از مواجهه با تاریخ، از فاصله غافل بودند و دگرگونی کلی دوره‌های قبلی را چه درمورد روحیات و چه در باب مقتضیات به‌حساب نمی‌آوردند. خیل می‌کوشد نشان دهد در این دوره کاربرد تاریخ منحصر به این شکل نمادین یا محدود به مقاصد تشریفاتی و حفاظتی و فرقه‌ای هم نبود. تاریخ در این دوره درس‌نامه بزرگ اخلاق و دولت‌مداری شمرده می‌شد. از این‌رو، خیل تاکید دارد کیفیت اندیشه هیچ دورانی کامل نیست، مگر آنکه قابل به استثنا باشد و استثناها اغلب حایزاهمیت‌اند. چون تحولات بعدی را نوید می‌دهند. خیل از جمله مصادیق مهم این نوع سوء‌استفاده‌ها را در انقلاب کبیر فرانسه می‌داند؛ انقلابی که درنظر او حمله به ذات تاریخ بود. چراکه انقلابیون خود مدعی مطالباتی بوده‌اند که پادشاه اعتنایی به آنها نداشت و زمانی که خود روی‌کار آمدند، همان‌کاری را کردند که پیشینیان آنان به انجام می‌رساندند.

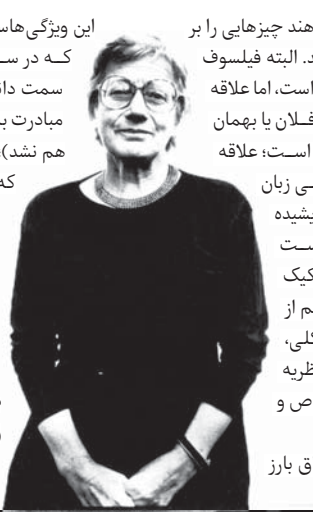
خیل با تاکید بر اینکه عصر روشنگری آشکارا با خودکامگی تاریخ به نبرد

نوشته‌ای از مری وارناک

فیلسوف کیست؟

ترجمه محبوبه مهاجر

یا رمان‌نویسانی باشد که می‌خواهند چیزهایی را بر سبیل خیال چنان بگویند که هستند، البته فیلسوف هم مدعی است که طالب حقیقت است، اما علاقه او به چیزهایی است که در پس فلان یا بهمان واقعیت تجربی یا جزئیات تاریخ است؛ علاقه اصلی فیلسوف به‌معنای باطنی زبان است که ما بر سبیل عادت و نیندیشیده به کارش می‌پریم، به مقولاتی است که تجربه خود را برحسب آنها تفکیک می‌کنیم. پس فیلسوف جماعت، اعم از زن یا مرد، نه‌تنها مدعی حقیقت کلی، بلکه مدعی حقیقت جزئی یا نظریه هم هست که شرح و تبیین امور خاص و جزئی و روزمره است. فیلسوف بسیار بزرگی که مصداق بارز



نگاهی به کتاب «استفاده و سوء‌استفاده از تاریخ»

تاریخ حقیقت است یا اسطوره

ممد فرشی

تلاش تاریخ‌نگاری را می‌توان با یک‌تناقض درون‌ماندگار دید: از یک‌سو، می‌کوشد تغییر و حرکت را شرط ضروری پیدایش تاریخ نشان دهد، اما از سوی دیگر، یکی از مقاصد خواسته یا ناخواسته تاریخ را جلوگیری از تغییر و حرکت می‌داند؛ کافی است جای «نظم و قاعده» را با «منع و نهی» عوض کنی تا تضاد درونی آن روشن شود، اما این تضاد برآمده از روح تاریخ است یا میل فاتحان و تاریخ‌نگاران شان؟ نخستین اراده‌ای که در این میان بروز کرد تمایل انسان برای تفسیر وقایع و ربط‌دادن آنها به یک‌کل واحد بود. تضاد درون‌ماندگار تاریخ‌نگاری، تاریخ را به تاریخ‌ها بدل ساخت و آن را مملو از تاریخ‌های تکه‌تکه یا اکنده از اساطیری کرد که منهای دوری از واقعیت‌های گذشته، تأثیری در وضعیت‌کنونی جهان انسانی نیز ندارد. فرآیندی که تاریخ را از زبان تاریخ‌نگاران بنا به میل فاتحان به‌سان تیغی دودم بر سر روح تاریخ فرود آورد؛ تاریخ حقیقت است یا اسطوره؟ درست همان‌جایی که اهمیت گزاره «تاریخ را فاتحان می‌نویسند نه مغلوبان» روشن می‌شود، اما چرا و چگونه مورخی سودای جعل تاریخ به سرش می‌زند؟ مورخی که غلام‌حلقه‌به‌گوش واقعیت‌ها نیست و تفسیر او از امور واقع متقن و علمی است چه می‌کند؟ چرا کنش‌وواکنش مورخ و امور واقع، یا به‌تعبیری، تقابل حال‌وگذشته بی‌پایان است؟ به‌نظر می‌رسد پیش از شرح و بسط تضاد درونی تاریخ باید از میل عامدانه تاریخ‌نگاری در تشدید تضاد درونی تاریخ گفت؛ موضوعی که ایده اصلی کتاب «استفاده و سوء‌استفاده از تاریخ»، نوشته پیتز خیل، یکی از مهم‌ترین آثار درباره تاریخ کلاسیک است. طرفه آنکه خیل نیز خود را مورخ می‌داند و نه فیلسوف تاریخ. این کتاب مکتوب سخنرانی‌های خیل در سال ۱۹۵۴، در دانشگاه ییل است. کتاب حاضر که با ترجمه حسن کامشاد به فارسی برگردانده شده، با تامل درباره این موضوع می‌کوشد بینش تاریخی و امکان تاریخ‌نگاری از پایین را فراهم کند.

برخاست، نشان می‌دهد این فلسفه می‌خواست به‌جای برده تاریخ‌بودن، تاریخ را آزادانه در راه مقاصد خود به‌کاربندد، او این دوره را در پروژه فکری خود مهم می‌داند چون معتقد است انقلابی علیه تاریخ رخ داد. درنظر او سال یکم انقلاب فرانسه تقویم جدیدی را وضع کرد؛ انقلابی بر ضدتاریخ، «سوء‌استفاده از تاریخ در نسل‌های پیشین، محکم‌چسبیدن به امتیازها و قوانین پوسیده به این عذر که چون کهن‌اند و مقدس، بی‌شک انکیزیشن بسیار

استفاده وسوءاستفاده از تاریخ
پیتز خیل
ترجمه: حسن کامشاد
ناشر: فرهنگ جاوید
نوبت چاپ: ۱۳۹۳
قیمت: ۹۰۰۰ تومان

حقیقی فراهم آورد». او بر این باور است که تاریخ انتقامی هوشمندانه از دورانی گرفت که در تلاش برای برپاداشتن ناگهانی بهشت فیلسوفان روی زمین به استبداد نظامی منجر شد. خیل این دوره را مهم می‌شمارد چون مواجهه تاریخ با فردای انقلاب مهم است؛ چون ادامه این مناقشه، نویسندگان ضدانقلابی را در همه کشورهای اروپایی واداشت با این مساله با تلخی و شدت‌عمل بیشتری مواجه شوند. در نتیجه خیل پرداختن به نتایج این امر را برای اثر پروژه خود ضروری می‌داند، چراکه نتایج این امر برای تاریخ از جنبه سیاسی فراتر رفت و در نظر و عمل نوآوری شد. از این‌رو، مواجهه خیل با قرن هجدهم مواجهه با «ضرورت» است. او عقلاگرایی قرن‌هجدهم را در بازگشت به مواجه‌های دخیل دانست که تا پیش از انقلاب فرانسه با تاریخ می‌شد،

اندیشه

طبیعت انسان نگاشته شد. هیوم امیدوار بود برپایه این مبادی بتواند شرح جامعی از کل دانش بشر و کل اخلاقیات، ازجمله اخلاق سیاسی، به‌دست دهد. این مقصود، جامع و کلی و درواقع خواسته‌ای بسیار تبیینی بود. هیوم معیار دیگری نیز برای حکم‌کردن درباره یک‌فیلسوف واقعی وضع کرد: فیلسوف کسی است که نه فقط فکر و نظرش را بیان کند، بلکه برای اثباتشان استدلال کند. این موضوع تقریباً در همه اوقات موجب شد فیلسوفان علاقه‌ای وافر به آثار و آرای یکدیگر نشان دهند؛ با ابراز مخالفت با آرای سایر فیلسوفان و درصورت امکان با رد آنها؛ با شرح و تغییر نظریه‌ها به‌شویه دیالوگ، گفت‌وگوی شفاهی یا کتبی. این گفت‌وگوها، گاه در مواردی چون افلاطون، برکلی یا هیوم، خیالی بودند و گاه واقعی و به‌صورت پاسخ به ایرادها، یا مبادله نامه و مکاتبات، که دکارت یک‌مثال آن است. فیلسوفان، بالطبع اهل مکالمه یا مکاتبه‌اند؛ به‌ندرت ترجیح می‌دهند که جدا از هم‌نوع خود بنشینند و ببینندش.

منبع:

Nigel Warburton , (ed.) philosophy, Basic Readings, Routledge, 1995



عکس عباس کوثری، شرق

چون در این دوره «بشر دگریار حس کرد که از گذشته رها نیست، درنتیجه برخوردش با گذشته باز حرمت‌آمیز شد»، اما این امر صرفاً به معنی بازگشت به محافظه‌کاری پیشینه‌پرست روزهای ماقبل روشنگری نبود، بلکه در این دوره مفهومی تازه پدید آمده بود که می‌گفت «وحدتی اندام‌وار در کار است که تمامی حیات اجتماعی را دربر دارد و نسل‌حاضر را با رشته‌های پنهان به پیشینیان می‌پیوندد». درنظر او در این معنای تاریخ نوعی پدرش تغییر مستتر بود و بدین قرائن تنها محافظه‌کاران نبودند که از نظرگاهی تازه برای قوام موضع خود بهره گرفتند. از این‌رو، اهمیت این تحول برای مطالعات تاریخی بسیار زیاد است چون تغییر موردبحث خیل برای فهم تاریخی حایزاهمیت است. خیل معتقد است وضعیت تاریخ‌نگاری در قرن‌نوزدهم کمی متفاوت با دوقرن گذشته بود. برخی از مورخان قرن‌نوزدهم تحت‌تأثیر فلسفه‌های گوناگون، بسیاری بی‌قاعده مواد و مصالح استوار و تغییر‌ناپذیر گذشته را به‌کارگرفتند و کوشیدند گذشته را به زور به اشکال غریب نمود وقایع و اغلب تکان‌دهنده یا الهام‌بخش درآورند. با این‌حال، خیل با مرور ماهیت تاریخ‌نگاری در قرن هفدهم، هجدهم و نوزدهم، سوءاستفاده شرم‌آور از تاریخ را خصیصه قرن بیستم می‌داند.

اما پیتر خیل آن‌روی‌سکه را هم نشان می‌دهد؛ تاریخ و کیفیت آن فرمان‌بخشی به آینده است. آینده یکی از پایه‌های اصلی خود را از گذشته و تاریخ وام می‌گیرد. شاید از همین‌رو، خیل در غالب مباحث خود نسبت به بی‌کرائگی و بی‌چیدگی تاریخ تاکید دارد. به‌همین جهت یکی از مهم‌ترین موشکافی‌های خیل تمیز این لایه‌هاست، لایه‌ها و متغیرهایی که درنظر او گویای پیوستار و سرشت اصلی تاریخ است. بر این اساس، بحث درباره استفاده و سوءاستفاده از تاریخ برای خیل نشان‌دهنده پیوستگی خودبه‌خودی حال‌وگذشته است.

ترجمه «استفاده و سوءاستفاده از تاریخ» به روایت حسن کامشاد

۱۰دقیقه این دفترچه را قرض کنم و صفحات آن را بیرون بفرموی… کتابدار حرفم را قطع کرد گفت: اشخاص حق عاریه‌گرفتن کتاب از کتابخانه بریتانیا را ندارند. فکری شیطانی به سرم زد. کتاب‌به‌دست به تالار قرائت بازگشتم. آن روزها برخلاف این روزها بازرسی و تفتیش امنیتی چنین شدید و غلیظ نبود. پالتویم را پوشیدم، جوزه را در جیم جاک دادم و گویی مثلاً به دستشویی می‌روم از درودروازه ساختمان گذشتم. کتابخانه بریتانیان آن زمان جنب موزه بریتانی بود. رویه‌روی آن در خیابان یک مغازه روزنامه‌فروشی بود با دستگاه فتوکپی. فتوکپی ۳۰۰ صفحه. پنج دقیقه وقت برد و کمتر از یک پوند هزینه برداشت. آرام و متین به کتابخانه برگشتم، جوزه را صحیح و سالم تحویل دادم، بیرون آمدم، نفسی عمیق کشیدم، در راه اشاعه فرهنگ و ادب چه قداکاری‌ها باید کرد».
منظره خیل و توین‌بی در جوزه کوچکی حدود ۴۰صفحه چاپ شده بود. «اندیشه‌اخلاقی» ترجمه امی کندامناظروره که در خاطراتش می‌نویسد: «۳۰صفحه گفت‌وگو را که نمی‌شود کتاب کرد. پس رقم دنبال اثر دیگری از این مورخ که مکمل کار شود و به درس‌گفتارهایی برخوردم که او در سال۱۹۵۴ با عنوان استفاده و سوءاستفاده از تاریخ در دانشگاه ییل ایراد کرده بود. اینها را سرهم کردم و همان ناشری که ذکر خیرش رفت یک چاپ زد و به خاک سپرد».
حال پس از قریب به بیست سال، انتشارات فرهنگ جاوید ترجمه این کتاب را مجدداً منتشر کرده است.

ریویو

اخلاق پیچیده

ادگار مورن، جامعه‌شناس فرانسوی، نه اخلاق‌گرا و نه نیهیلیست است؛ ادعای کلاسیک بنیانگذاری اخلاق هم ندارد. کارهای معرفت‌شناختی مورن بحث‌برانگیزند، چون می‌کوشد مثلث ایدئولوژی، سیاست، علم را از طریق آنچه «پیچدگی» می‌نامد، بازاندیشی کند. «پیچیده» به معنی مخالف ساده نیست، بلکه مقصود یک «روش» است که به «رازروزم» جهان با ندانستن اینکه «امر ساده همواره فقط چیزی است که توسط شخصی ساده شده، اعتنا می‌کند. اندیشه‌ای که تقلیل نمی‌دهد و قطبی نمی‌کند و از قدرت میجان آگاه است. واژه «اندیشه‌پیچیده» ممکن است بد تعبیر شود چون تنها از طریق کار مورن وضوح می‌یابد که قلمرو آن بسیار وسیع است، چنان‌که اولین‌کتاب او نشان می‌دهد. درواقع بیش گسترده مورن از پیچدگی و از اندیشه پیچیده، عقل و احساس، خرد و شفقت، ایده‌الیسم و رئالیسم و دیگر چیزهای متضاد را به هم پیوند می‌دهد که نمایانگر چیزی است که او «اندیشه‌ساده» می‌نامد. رد این تلاش عظیم را در شاهکار شش‌جلدی‌اش به‌نام «روش» می‌توان گرفت. این اثر نه‌تنها یک‌طرح علمی که یک‌پیام پیچیده از دل قرن‌بیستم است. توصیه‌ها و تشخیص‌های اخلاقی مورن در این کتاب‌ها صورت می‌گیرد که از آن تحت‌عنوان «اخلاق نوع‌بشر» یاد می‌کند. «اخلاق» ششمین‌جلد از مجموعه روش ادگار مورن است. این کتاب به طرح بنیاد اخلاق نمی‌پردازد بلکه هدف او به‌طور جدی پرداختن به خاستگاه اخلاق است. او در تمام پنج‌فصل کتاب، «پیچدگی» را به‌عنوان اصل بنیادین در روابط‌انسانی مطرح می‌کند؛ پیچیدگی‌ای که ما را «اصلاح اندیشه» فرامی‌خواند. او در جست‌وجوی منابعی برای اخلاق و تجدیدحیات آن در زندگی فردی‌واجتماعی است. اخلاق مورن، با بحران معاصر اخلاق آغاز می‌شود. او بعد از بررسی انسان‌شناسانه، تاریخی و فلسفی‌به‌نوعی به بحران معاصر اخلاق بازمی‌گردد و اخلاق خودبنیان، جامعه‌بنیان و انسان‌بنیان را مطرح می‌کند. درواقع این کتاب



اخلاق

ادگار مورن
ترجمه: امیر نیکی‌بی
نگاه معاصر
نوبت چاپ: ۱۳۹۳
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

نوعی بازاندیشی مداوم است که نیکی، امکان و ضرورت، یعنی خود اخلاق را مورد بازبینی قرار می‌دهد. به بی‌کرائگی و بی‌چیدگی تاریخ تاکید دارد. به‌همین جهت یکی از مهم‌ترین موشکافی‌های خیل تمیز این لایه‌هاست، لایه‌ها و متغیرهایی که درنظر او گویای پیوستار و سرشت اصلی تاریخ است. بر این اساس، بحث درباره استفاده و سوءاستفاده از تاریخ برای خیل نشان‌دهنده پیوستگی خودبه‌خودی حال‌وگذشته است.
۱۰دقیقه این دفترچه را قرض کنم و صفحات آن را بیرون بفرموی… کتابدار حرفم را قطع کرد گفت: اشخاص حق عاریه‌گرفتن کتاب از کتابخانه بریتانیا را ندارند. فکری شیطانی به سرم زد. کتاب‌به‌دست به تالار قرائت بازگشتم. آن روزها برخلاف این روزها بازرسی و تفتیش امنیتی چنین شدید و غلیظ نبود. پالتویم را پوشیدم، جوزه را در جیم جاک دادم و گویی مثلاً به دستشویی می‌روم از درودروازه ساختمان گذشتم. کتابخانه بریتانیان آن زمان جنب موزه بریتانی بود. رویه‌روی آن در خیابان یک مغازه روزنامه‌فروشی بود با دستگاه فتوکپی. فتوکپی ۳۰۰ صفحه. پنج دقیقه وقت برد و کمتر از یک پوند هزینه برداشت. آرام و متین به کتابخانه برگشتم، جوزه را صحیح و سالم تحویل دادم، بیرون آمدم، نفسی عمیق کشیدم، در راه اشاعه فرهنگ و ادب چه قداکاری‌ها باید کرد».
منظره خیل و توین‌بی در جوزه کوچکی حدود ۴۰صفحه چاپ شده بود. «اندیشه‌اخلاقی» ترجمه امی کندامناظروره که در خاطراتش می‌نویسد: «۳۰صفحه گفت‌وگو را که نمی‌شود کتاب کرد. پس رقم دنبال اثر دیگری از این مورخ که مکمل کار شود و به درس‌گفتارهایی برخوردم که او در سال۱۹۵۴ با عنوان استفاده و سوءاستفاده از تاریخ در دانشگاه ییل ایراد کرده بود. اینها را سرهم کردم و همان ناشری که ذکر خیرش رفت یک چاپ زد و به خاک سپرد».
حال پس از قریب به بیست سال، انتشارات فرهنگ جاوید ترجمه این کتاب را مجدداً منتشر کرده است.

دفترچه خاطرات یک روحانی مرتقی در زمان مشروطه جذابیت زیادی برای علاقه‌مندان به تاریخ معاصر ایران دارد. شیخ‌ابراهیم زنجانی فرزند شیخ‌های خسته‌ای از فضایی زنجان و از آزادی‌خواهان و روشنفکران صدر مشروطه بود. در مجلس اول مشروطه از زنجان و در دوره دوم از تبریز و در دوره سوم و چهارم از زنجان به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد. محاکمه شیخ فضل‌الله نوری مجتهد معروف در سال ۱۳۲۸ قمری در دادگاهی انجام شد که شیخ‌ابراهیم زنجانی قاضی آن دادگاه بود. شیخ‌ابراهیم زنجانی برخلاف رای شعبه پارلمانی فرقه دموکرات که خود نیز عضو آن بود رای به قبول اولتیماتوم روسیه بر ضد ایران داد. جدای از اندیشه‌ها و رویکرد سیاسی شیخ‌ابراهیم زنجانی در عهد مشروطه، اصلی‌ترین ویژگی کتاب او رویکردی است که در خاطره‌نویسی دارد. او به خاطراتی از زندگی و علایق شخصی خود اشاره کرده که نوشتن درباره آنها در کسوت یک روحانی کاری خرق عادت است. او در زندگی روزمره نگاه کنجکاو داشت و درباره ترقی‌های عصر جدید که در بیرون از حوزه اتفاق می‌افتاد نظری مثبت داشت. در فصلی با عنوان «دوره پنجم زندگانی: عمر من و حس محبت خانواده و اولاد» درباره دنیای بیرون از مرزهای مطالعه روحانیت آن روزگار می‌نویسد: «میرزا علی‌اصغرخان و حاجی مشیرالممالک وزیر با من رفت‌وآمد پیدا کرده، گاه‌گاه صحبت از علوم و ترقیات خارجه می‌کنند. یک روزنامه که از مصر می‌آمد و اول «ثیا» بود و بعد «پرورش» هفتگی مجرمانه به من می‌دادند و در خلوت می‌خواندم. «حبل‌المتین» کلکته هم برای او و برای میرزا هاشم‌خان می‌آمد و مجرمانه به من می‌دادند و می‌خواندم. در نهایت پریز می‌کردم از اینکه طلاب و ملاها بداندن من روزنامه می‌خوانم، زیرا تکفیر در نزد این بیچارگان نادان مثل آب‌خوردن است. معلوم است اطلاع و آگاهی از دنیا، خصوصاً وضع فرنگستان اولین کفر است، زیرا هم شاه و اعیان و هم آدم‌فریان نمی‌خواهند مردم چیزی بدانند.»

زمانی هرودت درباره ایرانی‌ها گفته بود آنها به یک صفت ممتاز شهرت دارند و آن راستگویی است و نفرت‌شان از دروغ، در یکی از سنگ‌نبشته‌های یادگار داریوش نیز آمده که «خدايا کشور مرا از آفت خشکسالی و از دروغ‌گویی ایمن بدار». اما امروز یکی از مشکلات فرهنگی بزرگی که جامعه ایران با آن دست‌به‌گریبان است رواج دروغ است، چرا به چنین جایی رسیده‌ایم؟ دروغ نمایش نادرست واقعیات و مکنونات است و شامل چهره‌های گوناگون می‌شود. مانند دروغ‌گویی و دورویی، تظاهر و تملق، فریب و کلاه‌گذاری، ریا و تزویر، خلف‌عهد و خیانت، نفاق و ناروایی و امثال آن. به طوری که می‌دانیم این خصلت با نیت یک مساله اخلاقی ساده فردی نیست که اختصاص به ما ایرانیان داشته باشد و در همه فرهنگ‌ها و کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی ملت‌ها توسعه یافته و تأثیر دارد. مهندس بازرگان در کتاب «دروغ» نقش آن در دین و دنیای ما «ابتدا زمینه‌های دروغ را در زندگی افراد و اجتماعات و ریشه آن را در طبیعت و فطرت انسان و واکنش آیین‌ها و حکومت‌ها به صورت ملموس و عینی مطرح می‌کند که دروغ از کجا و از چه چیز سرچشمه می‌گیرد و به لحاظ اجتماعی و دینی به بررسی آن می‌پردازد. شاید آنچه در این اثر مهم‌تر به نظر می‌رسد بخش پایانی کتاب است که به موضوع «چرا چنین شدید و چه باید کنیم» پرداخته و راهکارهایی ارائه داده که می‌تواند برای تحول فرهنگی جامعه ما مفید و آموزنده باشد. در این فصل بازرگان به این پرسش پاسخ می‌دهد که چرا ما ایرانیان پس از مسلمان‌شدن، با آن همه تاکید و تفصیلی که قرآن و سنت درباره راستی و درستی و پاکی آورده‌اند، سیر قهقریایی را طی کرده، ناجور و ناروا از آب در آمده‌ایم.

فرجام نخستین رئیس جمهور

اولین رئیس جمهور قانونی ایران یعنی ابوالحسن بنی‌صدر توانست چنان‌که باید شرایط سیاسی پیچیده زمانه را درک و مدیریت کند. آن روزگار پرتلاطم، نیاز به سیاست‌مداران توانارتی داشت. اولین تجربه دموکراسی در ایران به فرصت‌سوزی بزرگی مبدل شد. در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری تاریخ

جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸ مردم ایران پای صندوق‌های رای رفتند تا اولین رئیس‌جمهور کشور را انتخاب کنند. اهمیت این حادثه از آنجا ناشی می‌شد که در فردای فروپاشی محکم‌ترین نظام سلطنتی در جهان این انتخابات به وقوع می‌پیوست. برای مردم، این‌که چه‌کسی اولین رئیس‌جمهور ایران باشد محل تامل بسیار بود. در این روز تاریخی ابوالحسن بنی‌صدر توانست با به دست آوردن بیش از ۵۸درصد آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات گوی سبقت را از دیگر نامزدها بروده و نام خود را به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور نظام نوای اسلامی در تاریخ ایران به ثبت رساند. شاید در این روز هیچ‌کس نمی‌دانست این‌انتخابات سرآغاز دورانی از تشنج و درگیری سیاسی و اجتماعی خواهد بود که مهر دولت مستعجل را بر پیشانی دولت بنی‌صدر خواهد کوید و در سرانجام آن طعم تجربه‌ای تلخ و آشفته به خون و دشمنی بی‌پایان را در ذائقه ملت خواهد نشاند. کمتر از ۱۷ماه پس از انتخابات مردم، نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه سی‌ویکم خرداد ۱۳۶۰ رای به «عدم کفایت سیاسی» بنی‌صدر دادند و ۲۷روز پس از آن روزنامه‌ها در روز چهارشنبه هفتم مردادماه نوشتند: «بنی‌صدر با اخذ پانهدگی سیاسی به پاریس گریخت.» پنج گفت‌وگوی انجام‌شده در کتاب «اولین رئیس‌جمهور» آمده، حاصل دغدغه گروهی از نمایان جوان آن سال‌های پرتلاطم است. خواننده از میان مطالب این‌کتاب با نگرش‌ها، فضای سیاسی و صف‌بندی‌ها و تفکرات حاکم در آن زمان آشنا خواهد شد و بسیاری از نکته‌ها و نانوشته‌ها را در آن خواهد یافت. در این کتاب گفت‌وگوهایی با جلال‌الدین فارسی، ابوالحسن بنی‌صدر و حسن حبیبی چاپ شده است. دو بخش از کتاب هم به گفت‌وگوهایی با شهیدبهشتی و مرحوم عزت‌الله سحابی اختصاص یافته است. گفت‌وگوی شهیدبهشتی بعد از شنیدن نوار این گفت‌وگو با بنی‌صدر و به دعوت ایشان و برای پاسخ به اتهاماتی که بنی‌صدر در گفت‌وگوی خود به او و حزب جمهوری نسبت داده بود، انجام شده است. گفت‌وگو با عزت‌الله سحابی نیز بیشتر برای شنیدن نظرات یکی از چهره‌های خوش‌نام و باتجربه انقلاب درباره کاندیداهای در کتاب آمده است.